

ادامه از صفحه اول

انوار حکیم

آنچه این کارنامه علمی را پرفرغ و مشعشع می‌کند، نگرش گسترده و عالمانه‌ای است که پرتو آن بر حوزه‌های گوناگون فرهنگ ایران و اسلام و تشیع تابیده است. توضیح متون دشوار زبان پارسی، مانند: تاریخ جهان‌گشای نادر، تالیف بخش‌هایی از کتاب گران‌سنگ لغت‌نامه دهخدا، شرح و تفسیر آثار مهم فلسفه اسلامی -که علاوه بر کتاب عیدالمنظر «شفا» باید از «اساس‌الاقتیاس» استادالبشر خواجه نصیرالدین طوسی یاد کرد- شرح و توضیح نگاشته‌های بزرگان شیعه چون شیخ مرتضی‌انصاری و آخوند خراسانی، در کنار تحقیقات گسترده درباره تاریخ شهر تهران و ترجمه‌های متون علمی و ریاضی تمدن مغرب‌زمین، گوشه‌هایی از این کارنامه درخشان و ستودنی است.

شاید اشاره‌ای به آثار او در علم ریاضیات و موسیقی، بهتر بتواند گستره دانش این حکیم روزگار ما را بنمایاند:

- شرح و تفسیر و ترجمه موسیقی الکبیر، فارابی - شرح و تفسیر دره‌التاج (بخش موسیقی کتاب علامه قطب‌الدین شیرازی) -گردآوری مجموعه‌ای از حل‌المسائل منطق ریاضی از منابع انگلیسی - ترجمه و شرح هندسه تحلیلی اثر سروه - ترجمه کتاب هندسه پرنکټیو اثر فردریکو انریک - شرح و ترجمه متون هندسی (هندسه اقلیدس و آرای این‌سیا) - شرح و تفسیر قضایای منطقی و بررسی آرای خواجه نصیرالدین طوسی - ترجمه و شرح آرای مربوط به قیاسات منطقی و جهت در قیاسات - تدوین هفت جلد حل‌المسائل منطق ریاضی، وجود این فرانزه اندیشمند و یگانه زمان که بقین دارم هم‌اینک بسان سال‌های گذشته در محضر ضیافت الهی بوده و روزه‌دار است، همچنان منشأ خیر و برکت برای فرهنگ این مرز و بوم است. حضور در مجامع گوناگون علمی و ادبی، شرکت در جلسات کارشناسی نسخ خطی و اسناد تاریخی، تدریس به جویندگان و شیفتگان علم در دانشگاه و منزل شخصی، تالیف و تصحیح و تدوین متون فارسی و عربی و جز آن، از جمله فعالیت‌های روزانه اوست. سخن پایانی: سپاس از اعضای محترم شورای شهر تهران به پاس این تصمیم خردمندانه و آرزوی سلامتی و تندرستی برای استاد سیدعبدالله انوار عزیز.

شادباش و دیرباش و دیرمان و دیزری کام جوی و کام باب و کام خواه و کام ران

چشم‌انداز همکاری نفتی ایران و اروپا

به‌طور طبیعی و با لحاظ محدودیت‌های حقوقی و اقتصادی اتحادیه اروپایی و دولت‌های اروپایی در ایجاد گستره وسیع از اقدامات تأمینی و حمایتی، فقط شرکت‌های متوسط و کوچک اروپایی می‌توانند در صورت تمایل همکاری خود را با ایران ادامه داده و از فشارها و مجازات‌های آمریکا مصون بمانند. البته اتحادیه اروپایی در تکمیل طرح‌های حمایتی خود از ایران، باید سازوکارهای تشویقی و ترغیبی مناسبی هم در پیش گیرد تا انگیزه لازم برای شرکت‌های اروپایی برای آغاز یا ادامه همکاری با ایران را افزایش دهد. مقدم بر این سازوکارها، متولیان اتحادیه اروپایی کار سخت همراهِکردن دولت‌های ۲۸گانه اروپا برای نقش‌آفرینی هماهنگ و مؤثر در این پروژه بزرگ را هم در پیش دارند. موفقیت اتحادیه اروپا در مدیریت خوب این پروژه، علاوه براینکه موجب تداوم همکاری دولت‌ها و شرکت‌های متوسط و کوچک اروپایی با ایران می‌شود، درعین‌حال پشتوانه خوبی برای دولت‌های و شرکت‌های آسیایی به‌ویژه چینی، هندی، مالزیایی و کره‌ای برای ادامه همکاری با ایران می‌شود. به‌طور طبیعی صنعت نفت می‌تواند بیشترین بهره‌برداری را از این شرایط داشته باشد. این بهره‌برداری می‌تواند در حوزه‌هایی مانند خرید نفت از سوی شرکت‌های متوسط و کوچک، نقل و انتقال درآمدهای نفتی از سوی بانک‌های متوسط و کوچک، بیمه محصولات نفتی و نفت‌کش‌ها از سوی شرکت‌های متوسط اروپایی یا نرخ بیمه‌ای منطقی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های متوسط و کوچک در طرح‌های توسعه‌ای صنعت نفت صورت گیرد. در چنین شرایطی می‌توان به حفظ میزان کنونی صادرات نفت ایران به اروپا (۷۰۰ هزار بشکه در روز) در کوتاه‌مدت یا حداکثر کاهش آن به ۵۰۰ بشکه در میان‌مدت امیدوار بود. طبیعی است این شرایط نمی‌تواند پایدار باشد مگر اینکه اتحادیه اروپایی در این روند به سطحی از اتناومندی سیاسی و اقتصادی برای تداوم روبرویی با آمریکا برسد یا اینکه انتخابات ریاست‌جمهوری آینده آمریکا زمینه تغییر هیئت حاکمه کنونی را فراهم کند یا ایران با غرب به توافقات جدیدی دست پیدا کند. در شرایط جدید یکی از انتظاراتی که ایران می‌تواند از اتحادیه اروپایی در مذاکرات آتی مربوط به حفظ برجام داشته باشد، درنظرگرفتن پوشش‌های ریسک فعالیت شرکت‌ها در صنایع نفت و گاز ایران است که باید به صورت جدی و مشخص دنبال شود.

politics@sharghdaily.ir

مهسا جزینی: رخدادهای دهه ۶۰ را بهانه‌ای کرده‌اند

برای تسویه‌حساب سیاسی، خطی که رسانه‌های اصولگرا از مدتی پیش آغاز کرده‌اند، حالا با درگذشت ناصر ملک‌مطیعی و ماجرای ممنوع‌الکاری ۴۰ساله‌اش دوباره سوزه خوبی شده تا کاسه‌کوزه همه آنچه «تندروی‌های دهه ۶۰» نامیده می‌شود بر سر اصلاح‌طلبان شکسته شود؛ اصلاح‌طلبانی که بعضاً در آن سال‌ها سمت‌هایی در دولت داشته‌اند. مسعود ده‌نمکی در واکنش به انتشار خبر درگذشت ناصر ملک‌مطیعی در اینستاگرامش نوشته است: «لوطی و روشن‌فکرنما. تفاوت مرحوم ملک‌مطیعی با مخمطصاف در همین امروز آت‌هاست. لوطی در وطن و روشن‌فکر در آغوش اجنبی. لوطی که توسط خالق توبه نصح تکفیر و ممنوع‌الکار شد و فیلم برزخی‌هایش توقیف و دیگری از فیلم توبه نصح به فیلم سکس و فلسفه رسید».

هم‌زمان با این توجیهات هم تصویری از مرحوم ملک‌مطیعی در فیلم «صادق‌کرده» در حال نمازخواندن منتشر شده و در حال دست‌به‌دست‌شدن است. در کنار آن جمعی دیگر انگشت اتهام را به سمت محمد خاتمی، وزیر وقت ارشاد و محمد بهشتی، از مدیران وقت سینمایی، گرفته‌اند با این بهانه که آنها مقصر ممنوع‌الکاری ۴۰ساله ملک‌مطیعی بوده‌اند. غافل از آنکه در دهه نخست بعد از انقلاب در حوزه فرهنگ تقریباً نوعی اجماع حداکثری نه‌تها میان مجریان انقلابی راست و چپ، بلکه بخش زیادی از بدنه مذهبی انقلابی وجود داشت. مهم‌ترین نماد این همسویی هم سینما بود. جامعه مذهبی خشم‌ز یادی نسبت به «سینمای بدنه» یا «فیلمفارسی» پیش از انقلاب داشت تا جایی که در جریان انقلاب آتش‌زدن سینماها به سمبل مخالفت با رژیم پهلوی بدل شده بود.

سینمای ضدسوپرستار

بسیاری از هنرپیشه‌ها، خواننده‌ها یا فعالان عرصه فرهنگ، بعد از انقلاب از سوی دادگاه‌های انقلاب احضار شدند. اتهامات مختلفی هم گاه برای آنها در روزنامه‌های آن زمان درج می‌شد؛ از مفسد فی‌الارض تا ترویج ابتذال و تحکیم رژیم گذشته. خود ملک‌مطیعی گفته بود: «بعد از انقلاب برای من مشکل خاصی پیش نیامد. مسئله دادگاه انقلاب بود که همه دوستان احضار شدند. در آنجا خواستند ببینند این افراد که هستند و چه کرده‌اند. طبیعی هم بود. باید مسئولان با ما آشنا می‌شدند. یک تعهدی هم از ما گرفتند که کاری برخلاف نظر آنها انجام ندهیم...». ایرج تقی‌پور، از کارشناسان بنیاد سینمایی فارابی در دهه ۶۰ در مصاحبه‌ای گفته بود که سینمای بعد از انقلاب با «سوپرستارسازی» مخالف بود. «فقط این نبود که میل شخصی آقای بهشتی یا آقای انوار در برخورد‌های سخت‌گیرانه و حذفی مؤثر باشد؛ یک جریان اجتماعی وجود داشت که فکر می‌کردند سینما باید از آلودگی‌ها پاک شود. فکر می‌کردند تلویزیون و سینما همان‌طور که امام گفته بود، دانشگاه است و جنبه‌های تعالی سینما بیشتر برایشان اهمیت داشت تا سرگرمی آن. آقای ملک‌مطیعی، آقای بیک‌ایمانوردی و خیلی‌های دیگر ستاره‌های فیلمفارسی‌ها بودند که برچسب ابتذال رویشان خورده بود.

توقع جمهوری اسلامی از سینما توقعی بود که اینها در آن کانسپت، خوش‌نام به حساب نمی‌آمدند. مسئله آقایان فردین و ملک‌مطیعی و خیلی از دوستان دیگر این بود که می‌خواستند سوپرستار بازی کنند...». عبدالله اسفندیاری هم که از سال ۶۲ تا ۷۲ مدیر بخش فرهنگی فارابی به مدت ۱۰ سال بود، با اشاره به عملکرد خود در فارابی به اینا گفته بود: «۹۰ درصد عملکرد خود را در دوره مدیریت تأیید و ۱۰ درصد رد می‌کنم و این ۱۰ درصد مربوط به بخشی است که از اراده مدیران سینمایی خارج بود. مثلاً ممنوع‌الکاری برخی از چهره‌های سینمایی که قبل

از انقلاب مشهور بودند در توان مدیران نبود که این ممنوع‌الکاری را بردارند. مثلاً سعید راد در فیلم‌هایی همچون طوفان و دادشا بازی کرد و هیچ مشکلی به وجود نیاورد اما از اواخر سال ۶۱ از زمان ساخت فیلم برزخی‌ها گروهی از تندروها شروع به فشار آوردن بر سینمای ایران کردند و مدعی شدند که دوباره طاغوت در حال برگشت به سینماست. جوسازی‌هایی که این گروه ایجاد می‌کرد ترس‌ها و نگرانی‌هایی را در بین مقامات سیاسی به وجود می‌آورد و در تصمیم‌گیری‌ها تأثیر می‌گذاشت».

این بر خوردها و محدودیت‌سازی‌ها آن زمان نه به پای این یا آن جناح، بلکه به پای قاطعیت انقلابی ثبت می‌شد. مجریان دولتی و حاکمیتی برآمده از بدنه مذهبی انقلابی طبیعتاً مجری خواست بدنه در محدودسازی عناصر همکار یا دخیل در سینمای پیش از انقلاب بودند. اگرچه در شرایط خاص آن روزها اعمال سلیقه‌های فردی هم بی‌تأثیر نبود. اینکه ۴۰ سال بعد، از میان همان حامیان نگاه فرهنگی آن روزگار، جماعتی اصلاح‌طلب شدند و دیگران اصولگرا، تأثیری در اصل ماجرا ندارد. اصولاً دهه ۶۰ اختلاف اساسی بین دو جریان راست و چپ درون حاکمیت در حوزه سیاست و فرهنگ وجود نداشت. کم‌اینکه دیده نشد تصمیماتی که در آن برهه در حوزه فرهنگ گرفته شده یا مخالفت

سیاست

به بهانه مقصرسازی‌های اصولگرایان از تندروی‌های دهه ۶۰

چه کسی ملک‌مطیعی را ۴۰ سال به سینما راه نداد؟



عکس: محمد رضا عباسی/تهر

واکنش وزیر اسبق ارشاد به ماجرای ممنوع‌التصویری ملک‌مطیعی

وزیر اسبق ارشاد در چند رشته توییت به بحث‌های ایجادشده درباره چرایی بازنگشتن ملک‌مطیعی به سینما واکنش نشان داده و درباره تلاش‌های خود در دورانی که وزیر ارشاد بوده، توضیح داده است: «شهریور ۷۶ به وزارت ارشاد رفتم، سیف‌الله داد را که رئیس خانه سینما بود، به‌عنوان معاون سینمایی انتخاب کردم. نشانه‌ای بود که اهل سینما برای خود تصمیم خواهند گرفت. دو فیلم دیدار و آدم‌برفی که از سال ۷۳ توقیف بودند، رفع توقیف شدند و حمله به سینماها شروع شد! ده‌نمکی سردهسته بود! فضای غوغا در طول دوران مسئولیت‌م در ارشاد آرام نگرفت! درباره وثوقی و ملک‌مطیعی و فردین با سیف‌الله داد صحبت کردم. آیا می‌توان راهی برای بازگشت آنان فراهم کرد؟ مثل ایرج قادری که زمان لاریجانی به سینما بازگشت یا ایرج راد. برای من وثوقی و فردین و ملک‌مطیعی اهمیت بیشتری داشتند. قرار بود اگر ضرورت داشت دیدار هم داشته باشیم. ملک‌مطیعی با مردانگی و مروت به سیف‌الله داد گفته بود: «من که نمی‌توانم به شما کمک کنم، انصاف نیست که باری بر دوستان بگذارم».

خود را به نقد بکشد، در رواج‌دادن تیپ‌های جاهلی و کلاه‌مخملی به‌عنوان شخصیت‌های مثبت در فضاهای صداخلاق‌ای‌ای مانند کاپاره‌ها و کافه‌ها، چگونه از نظر برخی افراد، پیش‌کسوت و حتی پدر سینمای ایران محسوب می‌شود؟!»

کیهان در ادامه مدعی شد که حتی تلویزیون زمان شاه هم حاضر به نمایش ناصر ملک‌مطیعی نبوده است!؛ «نگته جالب این است که حتی تلویزیون شاه به‌دلیل ابتذال بیش‌ازحد این‌گونه فیلم‌ها جرئت نداشت، آنها را در کانال‌های خود نمایش دهد! تنها پس از سال‌ها و در اواخر دوران رژیم گذشته به نمایش معدودی آثار سینمای فارسی‌کی به

فیلم‌های موج نو معروف بودند، اقدام کرد...». چهار سال پیش هم مدیران نظارت رادیو جوان مانع پخش گفت‌وگو با ناصر ملک‌مطیعی در قالب برنامه «شهر فرنگ» رادیو جوان شده بودند. ارژنگ امیرفضلی، بازیگر آثار طنز سینمایی و تلویزیونی، همان زمان با اشاره به اینکه قطعاً برنامه‌سازی‌ای که ملک‌مطیعی را دعوت کردند قطعاً از خطوط قرمز و ممنوعیت‌های نوشته و نا نوشته این رسانه ملی اطلاع داشتند و علی‌رغم آن، چنین دعوتی از او کرده بودند، نوشته بود: «همان کاری که حدود ۲۰ سال پیش هنرمندی در رادیو با علی تابش کرد و روح او را شکست و خیلی‌ها نفهمیدند، امروز هنرمند دیگری همان کار را در تلویزیون با ناصر ملک‌مطیعی کرد و باز خیلی‌ها نفهمیدند.

چقدر عجیب و جالب‌که همه‌چیز مثل آن روزها تکرار شد. ایرادی به مسئولان سازمان نیست. ایراد بر دوستان وارد است که برای خودنمایی و خاص‌نشان‌دادن خودشان دل نازک این کهن‌مردان را می‌شکنند، وگرنه حریم و قانون تلویزیون را که سال‌هاست می‌دانیم و مشخص است. خصوصاً برای ما دست‌اندرکاران. اصلاً این همه رسانه در فضای مجازی هست که می‌توانستید آنجا برای ایشان برنامه درست کنید و از ایشان یاد کنید، چرا آنجا نبودید؟» باید از اصولگرایانی‌که این روزها به‌دنبال مقصرسازی، فراق‌کنی و انداختن توپ به زمین جناح مقابل‌اند، پرسید که در اوج همسویی سلیقه فرهنگی دولت و ملت در دهه ۶۰ با چاشنی برخی تصمیمات سلیقه‌ای عده‌ای از هنرپیشه‌های پیش از انقلاب ممنوع‌الکار شدند، چرا در طول سه دهه بعد از آن روزگار در وزارت ارشاد مصطفی میرسلیم، علی لاریجانی، محمد حسینی و محمدحسین صفارهرندی اصولگرا این ممنوعیت‌ها رفع نشد؟! چرا در صداوسیماکی به این سال‌ها همواره در بد اصولگرایان بوده ناصر ملک‌مطیعی ممنوع‌التصویر و صدا بود؟

سهند ابراهیم‌هر در توییتی در واکنشش به رویه رسانه‌ای اصولگرایان نوشته است: «آقای فارس که

این روزها با انتشار اسناد ثابتمون کردی که علت خونه‌نشینیی ملک‌مطیعییی اصلاح‌طلب‌ها و محمد

خاتمی و میرحسین موسوی بودن، ممنون از معرفی

متحجرین. حالا تو که اصلاً مثل اونا نیستی کمک کن

بهوروز وثوق بیاد تو مملکتش. نمی‌گیم بیاد رو پرده

سینما، فقط بیاد وطنش».

رویداد

«بزنبزن» در جلسه علنی

● شرق: روز گذشته عبدالحمید خدری، نماینده بوشهر، نطق میان‌دستور داشت. او صحبت‌هایش را با یک شعر آغاز کرد؛ شعری که ترجیع‌بند آن «بزنم یا زننم» بود و پس از هر مصراع نمایندگان فریاد می‌زدند که «بزنبزن». خدری آغاز به خواندن کرد: «حرف‌ها دارم اما بزنم یا زننم»، بزنبزن؛ «با توام با تو خدایا، بزنم یا زننم»، بزنبزن؛ «همه حرف دلم با تو همین است که دوست/ چه کنم، حرف دلم را بزنم یا زننم»، بزنبزن؛ «عهد کردم دگر از قول و غزل دم زننم»، بزنبزن؛ «زیر قول دلم آیا بزنم یا زننم»، بزنبزن؛ «گفته بودم که به دریا زننم دل املا/ کو دلی تا که به دریا بزنم یا زننم»؛ بزنبزن. پس از این بود که خدری صحبت‌هایش را آغاز کرد. این اولین بار نیست که نمایندگان در جلسه علنی که از رادیو هم پخش مستقیم می‌شود، دست به چنین حرکتی می‌زنند. سال گذشته در جریان بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی کابینه دوازدهم یکی از نمایندگان پشت تریبون رفت و آغاز به شعرخوانی کرد. نمایندگان هم پس از هر مصراع او، با صدای بلند «به‌به» می‌کردند؛ چند بیتی که خوانده شد، لاریجانی، رئیس جلسه، خطاب به آن نماینده گفت که استفاده کردیم؛ پس است دیگر.



نمونه دیگر، در مجلس نهم بود که وقتی سیدشریف حسینی، نماینده اهواز، نطق میان‌دستور خود را با قطعه شعری مشابه با خدری آغاز کرد، نمایندگان آن مجلس هم واکنشی ماند واکنش دیروز داشتند. پس‌ازآن محمدرضا باهنر که ریاست جلسه را بر عهده داشت، نطق حسینی را متوقف کرد و گفت: «دوستان دقت کنند. بعضی اوقات نمایندگان می‌خواهند مطالبشان را با شعر بیان کنند. لطفاً شما سکوت کنید و ابزار احساسات نکنید». باوجوداین نمایندگان همچنان به «بزنبزن» خود ادامه دادند.

انجمن زنان پژوهشگر تاریخ با همکاری پژوهشکده اسناد و

اندیشگاه فرهنگی سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار می کند

آسیب شناسی هویت جنسیتی در ایران

دکتر محمدی اصل

استاد دانشگاه و محقق مسائل اجتماعی و امور زنان

شناخت هویت زن ایرانی

خانم شهلا لاهیجی

مدیر انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

زمان : چهارشنبه ۹ خرداد ۱۸ تا ۲۰

مکان میدان ونک بزرگراه شهید حقانی (غرب به شرق) بعد از مترو شهید حقانی بلوار کتابخانه ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی مرکز همایش ها

شرکت برای کلیه علاقمندان آزاد است